

۳۵ مردی باچشمان حادثه‌ساز



مش صفدر پیشخدمت شیخ صدای زاری او را در سحرگاه از پشت در اتاقش می شنید که از درگاه خدا طلب بخشش گناهانش را می‌کرد. به زاری می‌گریست و می‌گفت:

–خداای من روسیاه به تو یخشنده رو آورده‌ام. من در جمع رمالان جاه طلب عمری برای جاه و مقام و ثروت مردم ساده‌دل را فریب داده‌ام و از حق و عدالت دور مانده‌ام، من به جای ترغیب بیماران به دوا و درمان و مراجعه به طبیب با نوشتن خزعبلات به‌عنوان جن‌زدگان و اسیران طلسم مردم را روانه قبرستان کرده‌ام. من کسانی را که با داشتن زخم از جنگ و دندان سگ‌های وحشی طلب شفا می‌کردند با جادو و جنبل از دوا و درمان منع کرده‌ام و این‌بیماران مبتلا به ویروس هاری را به زیر خاک فرستاده‌ام. ای خدا فردا باید کفراره گناهانم را پس بدهم آیا من روسیاه بخشنیده خواهم شد...؟

پیشخدمت پشت در بسته اتاق شیخ زانو به زمین زد صدای حق‌ حق شیخ را می‌شنید که به‌زاری می‌گریست و طلب بخشش می‌کرد. پیشخدمت سالخورده بهت زده به گل‌های قالی کف اتاق خیره شد و از خودش پرسید:

–پس آقا چرا از دسته‌های مطرب‌های دوره‌گرد خواسته فردا به حضورش برسند؟

در این هنگام صدای زاری آقا را شنید که با بغضی در گلو نالید:

–خداایا به‌خاطر فریب مردم روسیاهم با عمری فریبکاری سزاوار بدنامی‌ام.

خدمتکار پیر با تعجب از خود پرسید: منظور آقا چی هست، فردا با آمدن دسته مطرب‌ها برای توبه گناهان چه خواهد کرد؟

آن روز صبح چگونوه آغاز شد؟

با روشنی روز دسته‌بزرگی از سگ‌های هار جنگل حمله را آغاز کردند و خرناس‌ کشان یکی ازکوچه‌های اصلی آبادی را درپیش گرفتندو مراقبانی که درحاشیه جنگل روی درختان در میان انبوه شاخه‌ها پنهان بودند با نواختن طبل‌ها و دمدین ضربه سرنا و شیپور هجوم سگ‌ها و مسیر حمله آنها را به ساکنان آبادی خبر دادند تا زن‌ها و مردهایی که در مسیر قرار داشتند شتابزده کودکان پراکنده در کوچه را جمع کنند و به خانه‌ها پناه ببرند.

سگ‌ها با سرعت عیبیی به یورش ادامه دادند تا با گذر از پیچ و تاب کوچه‌ای بلند که به میدان بزرگ می‌رسید وارد این میدان شوند. سگ‌های وحشی طبق معمول هدف‌شان همین میدان بود چون به تجربه می‌دانستند در حاشیه میدان دکه‌ها و دکان‌هایی است که با غافلگیری کاسیکارها می‌توانند طعمه‌هایی به چنگ بیاورند، همچنین خبر داشتند ممکن است زن‌ها و مردهایی که برای خرید به دکان‌های حاشیه میدان آمده‌اند در وحشت فرار خوراکی‌ها را به زمین پرت کنند تا خود را به پناهگاه‌ها برسانند و طعمه‌هایی پراکنده بر زمین در میدان بر جا بماند.

اما آن روز صبح با ترفندی که کدخدا و مردان ریش سفید آبادی برای مقابله با سگ‌ها به‌کار برده بودند حادثه شگفتی‌ آوری اتفاق افتاد.

سگ‌ها که تعدادشان به سی و پنج قلاده می‌رسید با رسیدن به دهانه میدان به ناگاه مردان و زنانی که بر لبه بام‌های دو سوی کوچه کمین کرده و منتظر رسیدن سگ‌ها بودند دست به کار شدند. آنها تورهای بلند ماهیگیری را که در دست داشتند در انتهای کوچه یکباره روی سگ‌ها گسترند، سگ‌ها که راهی به میدان نداشتند وحشتزد تصمیم به بازگشت گرفتند اما همگی در میان تورهای ماهیگیری که روی‌شان گسترده بودند هر چه بیشتر برای نجات خود تقلا می‌کردند تورها بر دست و پا و کمرشان پیچیده‌تر می‌شد و راه گریزی نداشتند.

در این میان گروه دیگری از مردان پیت‌های نفت را روی سگ‌ها ریختند و با انداختن مشعل‌هایی فروزان شعله‌های سرکش آتش یکباره از سر وت‌ن‌شان زبانه کشید. سگ‌های هار شعله‌رو برای نجات خود به تقلا افتادند وزوزه کشان تن به سوختن دادند. اما در این لحظات واقعی‌ای پرخطر و پیش‌بینی نشده اتفاق افتاد. مرد و زن از بام خانه‌ها دیدند که چند سگ توانستند از حاشیه دیوار خود را از لبه تور بیرون بکشند و شعله کشان روی دیوار کوتاهی پرپرند که چند لحظه بعد شعله‌های آتش از پنجره‌های خانه‌ها به بیرون زبانه کشید. در این حادثه کسی آسیب ندید اما دو منزل در آتش سوخت و به این ترتیب ریش سفیدهای آبادی برای نابودی سگ‌های هار با شکست روبه‌رو شدند.

■ ادامه دارد

کلابرداری با نشان انجمن ناینیان ایران

گروه حوادث/ انجمن ناینیان ایران با صدور اطلاعیه‌ای از سوءاستفاده برخی افراد سودجو از نشان عصای سفید برای فروش جای و غسل خبر داد.

به گزارش میزان، بر اساس اعلام انجمن ناینیان ایران، به تازگی افرادی سودجو به نام انجمن ناینیان ایران اقدام به فروش محصولات غذایی از جمله غسل و چای کرده‌اند و مدعی هستند که عواید حاصل از این کار را به ناینیانان و اعضای تحت پوشش انجمن ناینیانان ایران اختصاص می‌دهند.

در این اطلاعیه آمده است: انجمن ناینیانان ایران نسبت به اخذی از مردم ایران تحت عناوین یاد شده هیچ مسئولیتی را نمی‌پذیرد.

برای انجمن ناینیانان ایران و با انجام تحقیقات میدانی به اثبات رسیده که ادعای این شرکت‌ها و مجموعه‌ها مبنی بر ایجاد شغل برای ناینیانان کاملاً بی‌پایه و اساس و کذب بوده و این شرکت‌ها که اغلب شرکت‌هایی خصوصی هستند سعی دارند تا با استفاده از نشان عصای سفید و ناینیانان ضمن تحریک عواطف و احساسات مردم نوع‌دوست ایران به مقاصد سودجویانه خود برسند.

دستگیری جاعل مدارک تحصیلی

گروه حوادث/ جاعل حرفه‌ای مدارک تحصیلی در پایتخت توسط مأموران پایگاه هشتم پلیس امنیت عمومی شناسایی و بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، با دریافت خبری مبنی بر اینکه فردی در یکی از واحدهای مسکونی حوالی میدان انقلاب در قبال دریافت مبالغ هنگفتی از مشتریان خود مدارک تحصیلی در همه مقاطع جعل می‌کند بررسی موضوع به صورت ویژه در دستور کار مأموران پایگاه هشتم پلیس امنیت عمومی تهران قرار گرفت و مأموران پس از انجام تحقیقات و تأیید صحت خبر موضوع را با مرجع قضایی مطرح و پس از دریافت مجوز متهم را دستگیر کردند و به پایگاه هشتم پلیس امنیت عمومی انتقال دادند.

متهم در همان بازجویی اولیه با اعتراف به جرم خود و پس از تشکیل پرونده و انجام تحقیقات تکمیلی به مراجع قضایی معرفی شد.

تحقیقات پلیس در خصوص شناسایی و دستگیری افرادی که در این موضوع مشارکت داشته‌اند، ادامه دارد.

اخاذی ۵میلیاردتومانی خانم منشی

■ **۱۳ساعت کابوس**

خودروی پژو ساعتی بعد، مقابل خانه‌ای در جنوب پایتخت متوقف شد. آنها با تهدید مرد کارخانه دار را به خانه‌شان منتقل کردند.

سپس شکنجه‌ها آغاز شد و با تهدید جاقو، پیرمرد را مجبور کردند تا چندین برگه چک برایشان امضا کند. بعد از آن نیز کارت‌های عابریانک او را گرفته و تمام موجودی داخل آن را به حساب زن جوان منتقل کردند.

مرد کارخانه دار ۱۳ ساعت تحت شکنجه قرار گرفت. با آنکه زن جوان ماسک به صورت داشت، اما صدا و چهره‌اش هویت او را برملا کرد و مرد کارخانه دار، منشی سابقش را شناخت. متهمان پس از رسیدن به هدفشان بار دیگر پیرمرد را سوار خودرو کرده و در یکی از خیابان‌های پایتخت رها کردند.

■ **اخاذی‌های سریالی**

هرمز که فکری می‌کرد ماجرا تمام شد به پلیس شکایت نکرد اما این

پایان اخاذی‌های متهمان نبود بلکه زن جوان به بهانه‌های مختلف به سراغ وی می‌رفت و از او اخاذی می‌کرد. بهنوش – متهم – او را تهدید می‌کرد که اگر پای پلیس به ماجرا باز شود به خانواده وی صدمه

می‌زند. با این شیوه متهمان در مدت یک ماه بیش از ۵ میلیارد تومان از وی اخاذی کردند. تا اینکه هرمز تصمیم به شکایت گرفت و به پلیس گفت: منشی سابقم که به خاطر کم‌کاری‌هایش او را اخراج



کرده بودم از من کینه به دل گرفته و با همدستی یک مرد مرا روده و شکنجه کردند و تا الان بیش از ۵ میلیارد تومان از من اخاذی کرده‌اند.

■ **دستگیری آدم‌ریان**

به دنبال شکایت هرمز، به دستور

۹۰۰میلیون تومان

برای بازگشت به زندگی

گروه حوادث/ مردی که در جریان درگیری خانوادگی یکی از بستگانش را با شلیک گلوله به قتل رسانده و پس از محاکمه به قصاص محکوم شده بود، توانست با جلب رضایت اولیای دم و پرداخت ۹۰۰ میلیون تومان از قصاص رهایی یابد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از ۶ سال قبل با گزارش یک نزاع خانوادگی منجر به قتل در محله پیشه‌هنگی البرز آغاز شد و پس از حضور مأموران مشخص شد که فردی به‌نام نادر ۲۷ ساله با ورود به خانه یکی از بستگانش مرتکب جنایت شده است.

در ادامه تحقیقات مشخص شد، نادر با یکی از اقوام‌شان به‌نام سعادت اختلاف قدیمی داشته و روز حادثه به قصد درگیری به خانه وی رفته است. اما در این میان سلمان برادر سعادت که برای میانجیگری وارد درگیری شده بود با شلیک گلوله نادر زخمی و پس از دقایقی به سبب خونریزی فوت کرده است.

نادر پس از این ماجرا و در حالی که هراسان و وحشتزده بود خودش را تسلیم مأموران کرد و برای انجام تحقیقات تکمیلی به پلیس آگاهی البرز منتقل شد.

وی که در همان ابتدا به قتل اعتراف کرده بود گفت: من و برادر مقتول اختلاف قدیمی داشتیم و چندی قبل هم با او درگیر شده بودم.

به همین خاطر از سعادت کینه به دل داشتم اما قصدم قتل نبود وقتی درگیری شدت گرفت و برادرش سلمان مقابل من ایستاد و این اتفاق رخ داد.

البته شاید اگر بعد از شلیک او را به بیمارستان می‌رساندیم زنده می‌ماند اما پس از اصابت گلوله من و سعادت درگیری‌مان ادامه پیدا کرد و همین موضوع باعث شد تا سلمان از شدت خونریزی فوت کند.

در ادامه متهم با صدور کیفرخواست از دادسرای البرز در شعبه یکم دادگاه کیفری استان البرز محاکمه شد و قضات او را به اتهام قتل عمد به قصاص محکوم کردند. متهم حدود ۶ سال در زندان ماند تا اینکه با تلاش مددکاران ندامتگاه مرکزی البرز توانست رضایت اولیای دم را با پرداخت ۹۰۰ میلیون تومان جلب و از قصاص نجات پیدا کند.

محمود را به قتل رساندند.»

پس از دستگیری دو برادر در صحنه جنایت و از آنجایی که سومین برادر متواری شده بود، بازپرس شعبه یازدهم دادسرای امور جنایی پایتخت دستور بازداشت مرد جوان را صادر کرد اما چند روز بعد مرد جوان به اداره آگاهی رفت و خود را تسلیم پلیس کرد.

کیارش در تحقیقات اولیه گفت: شب حادثه همسر سابقم به دنبال بچه‌ها آمد و من از او خواستم که اجازه دهد بچه‌ها آن شب خانه‌ام بمانند چرا که میهمان داشتیم و خانه شلوغ بود و دوست داشتم بچه‌هایم در این میهمانی حضور داشته باشند اما او مخالفت کرد و بر سر همین مسأله باهم درگیر شدیم. من جاقو را برای ترساندن مقتول برداشتم و قصدم قتل نبود اما در درگیری او چوب بدست داشت و

بود. همسر دوم مقتول در تحقیقات گفت:

چند سال قبل از شوهر اولم کامیار جدا شدم و با محمود که شوهر خواهر کامیار بود ازدواج کردم. من از همسر اولم سه فرزند دارم که یکی از آنها با پدرش زندگی می‌کند و دو بچه دیگر با من و محمود زندگی می‌کردند. وقتی ما با هم ازدواج کردیم، در خانواده اختلاف افتاد چرا که من با همسر خواهر شوهرم ازدواج کرده بودم و این موضوع باعث اختلافات شدیدی شد.

او ادامه داد: «چند روز قبل پدر محمود فوت کرد و ما برای شرکت در مراسم ختم به شهرستان رقتیم. به خاطر کرونا دو بچه‌ام را نزد پدرشان گذاشتم، شب حادثه به سراغ من رفتم و من در آنجا باهم می‌انسانل بوده مدتی قبل برای دومین بار ازدواج کرده و همین موضوع باعث ایجاد اختلاف در خانواده شده

علت قتل مرد دوزنه درهاله ای از ابهام

گروه حوادث/ با گذشت یک ماه از قتل مرد

دوزنه در یک درگیری خانوادگی و در حالی که هنوز علت مرگ وی از سوی پزشکی قانونی اعلام نشده است، سه برادرزن مقتول همچنان به اتهام قتل با بازداشت هستند. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، نیمه شب ۲۷ مرداد مأموران کلانتری ۱۴۰ باغ فیض در جریان یک قتل قرار گرفتند و موضوع به بازپرس جنایی پایتخت اعلام شد.

نخستین بررسی‌ها در صحنه جنایت نشان می‌داد که درگیری بین اعضای یک خانواده رخ داده است و در ادامه دو برادر به اتهام قتل مدام‌شان دستگیر شدند. تحقیقات نشان می‌داد مقتول که مردی میانسال بوده مدتی قبل برای دومین بار ازدواج کرده و همین موضوع باعث ایجاد اختلاف در خانواده شده

بازپرس شعبه نهم دادسرای امور جنایی پایتخت، تحقیقات از سوی کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی آغاز شد. در بررسی‌های صورت گرفته، منشی جوان و همدستش بازداشت شدند.

زن جوان که خود را در برابر مدارک مستند می‌دید به ناچار لب به اعتراف گشود: چند سالی در کارخانه هرمز کار می‌کردم و برایش کلی زحمت کشیدم اما او مدام بهانه می‌آورد و از کارم ایراد می‌گرفت در نهایت هم مرا اخراج کرد. ماجرا فقط اخراجم از کارخانه نبود او حق و حقوقم را نداد و زندگی‌ام نابود شد. به همین خاطر کینه او را به دل گرفتم و به فکر انتقام افتادم.

او ادامه داد: چون به تنهایی نمی‌توانستم از او انتقام بگیرم به فکر یک همدست افتادم، مدتی بعد در اینستاگرام با مردی آشنا شدم و با وعده دستمزد ۵۰۰ میلیون تومانی او را برای این کار استخدام کردم. تا الان بیش از ۵ میلیارد تومان از مرد کارخانه دار اخاذی کردم و با این پول‌ها ملک و زمین خریدم .

همدست زن جوان نیز در تحقیقات به آدم ربایی اعتراف کرد اما مدعی شد که هیچ پولی از بهنوش نگرفته و ۵۰۰ میلیون تومان وعده پوشالی بوده که از سوی زن جوان مطرح شده بود.

به دستور بازپرس سهرابی، دو متهم جوان در اختیار کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی پایتخت قرار داده شده و تحقیقات در رابطه با این پرونده ادامه دارد.

